



علی احمدی میانجی

یکی از مشکلات اطلاعات و تحقیقات، سوء ظن می باشد. مراد از سوء ظن حرام، آثار آن و روایاتی که در آنها از گمان بد بردن نهی شده در قسمت گذشته مقاله بیان شد. روایاتی نیز در مدح سوء ظن و یا آثار مطلوب آن و نیز مواردی که نشان می دهد پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) عملاً به سوء ظن ترتیب اثر داده اند وارد شده است این قسمت مقاله متضمن بحث و بررسی این روایات می باشد.

اینک پس از شرح معنای حرمت سوء ظن به نقل اخباری که در مدح سوء ظن و یا آثار مطلوب آن وارد شده می پردازیم:

۱ - اخْتَرِشُوا مِنَ النَّاسِ يَسُوءَ الظَّنِّ ۱

خودتان را با سوء ظن از مردم حفظ کنید.

۱ - بحارج ۷۷ ص ۱۵۸ از تحف العقول. المیزان ج ۵ ص ۶۲۹.

۲ - لَا تَيَقِّنْ بِأَخِيكَ كُلَّ آيَتِهِ فَإِنَّ صَرَعَةَ الْإِسْمِزِي سَالِي لَا تُسْتَقَانُ ۲

به برادر دینی خود اطمینان تمام عیار نداشته باش زیرا ضرر خوردن و شکست در اثر اطمینان و زود باوری قابل جبران نیست.

۳ - قَالَ خَذِرُ كُلُّ الْخَذِرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ زُرْتَمَا قَارَبْتَ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذِ الْخَزْمَ وَأَنْتَهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنُ الظَّنِّ ۳

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در عهدنامه مالک اشتر می فرماید: از دشمن پس از صلح با او بر خذر باش زیرا دشمن گاهی نزدیک شده و صلح می کند تا تو را غافلگیر کند پس در این گونه موارد احتیاط را شیوه خود ساخته و حُسن ظن نداشته باش.

۴ - جَاهِدْ نَفْسَكَ وَأَخَذِرْ جَلِيسَكَ وَاجْتَنِبْ عَدُوَّكَ ۴

با نفس خود جهاد و از همنشین خود احتیاط و از دشمنت اجتناب کن.

۵ - إِلَى اللَّهِ أَشْكُو بِلَادَةَ الْأَمِينِ وَبِقُفْلَةِ الْخَائِنِ ۵

از نفهمی شخص امین و بیداری دشمن به خدا شکایت می برم.

۶ - أَوَاخِرُ مَصَادِرِ التَّوْقَى أَوَائِلُ مَصَادِرِ الْخَذِرِ ۶

پایان منابع حفاظت (که دشمن را دفع می کند) آغاز (توسل و استفاده از) منابع احتیاط است.

۷ - تَجَنَّبْ عَدُوَّكَ وَأَخَذِرْ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ إِلَّا الْأَمِينِ وَالْأَمِينُ مَنْ خَشِيَ اللَّهَ وَلَا تَصْحَبِ الْفَاجِرَ وَلَا تَقْلِبْهُ عَلَى سِرِّكَ وَلَا تَأْمَنْهُ عَلَى أَمَانَتِكَ وَأَسْتَشِرْ فِي أُمُورِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ۷

از دشمنت اجتناب کن و از دوستت بر خذر باش مگر اینکه امین باشد و امین کسی است که از خدا بترسد و با شخص فاجر مصاحبت نکن و او را از اسرار خود آگاه نساخته و به امانتهای خود امین قرار نده و در کارهایت با اشخاصی که از خدا می ترسند مشورت کن.

۸ - أَبِذْنِ لِصَدِيقِكَ كُلِّ الْمَوَدَّةِ وَلَا تَبْذِنْ لَهُ كُلَّ الظَّمَائِيَّةِ وَأَعْطِهِ كُلَّ الْمَوَاسَاةِ

۲ - الميزان ج ۵ ص ۶۲۹ از تحف العقول و بحارج ۷۴ ص ۱۷۳. وسائل ج ۸ ص ۵۰۱. کافی ج ۲ ص ۶۷۲.

۳ - نهج البلاغه نامه ۵۳. الميزان ج ۵ ص ۶۲۹.

۴ - بحارج ۷۵ ص ۶۵ از امالی طوسی ج ۱ ص ۶. قصار الجمل ج ۱ ص ۱۰۵.

۵ - ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۴۳.

۶ - غرر الحکم ج ۱ ص ۷۳.

۷ - وسائل ج ۸ ص ۴۱۹ از علل. بحارج ۷۴ ص ۱۹۶ از اختصاص مفید ج ۷۸ ص ۱۷۲ از تحف العقول.

وَلَا تُغْضِ إِلَيْهِ بِكَلِّ الْأَسْرَارِ^۸

به دوست خود محبت کامل داشته باش ولی به او اطمینان کامل نکن و با تمام توانایی به او یاری برسان ولی همه اسرار خود را پیش او برملا نکن.

۹ - الْحَارِمُ يَقْطَانُ!

شخص محتاط همواره بیدار و آگاه است.

۱۰ - عَلَيْكَ بِسُوءِ الظَّنِّ فَإِنْ أَصَابَ فَالْحَزْمُ وَالْإِقْدَامُ السَّلَامَةُ^{۱۰}

همواره در کارها سوء ظن داشته باش که اگر ظن تو درست در آمد پس دور اندیشی کرده ای و گرنه سلامت مانده ای.

۱۱ - النَّصِيحَةُ أَحَدُزُ^{۱۱}

نصیحت و خیرخواهی عبارت است از احتیاط کردن (یعنی خیرخواهی برای شخص یا اجتماع عبارت از آن است که در امور خود با احتیاط برخورد نماید)

۱۲ - الْعَاقِلُ لَا يَتَخَدَّرُ^{۱۲}

شخص عاقل فریب نمی خورد (مشکل است کسی او را گول زده و غافل گیر نماید).

۱۳ - الْغِيْرَةُ أَلْجِهَالَةُ^{۱۳}

غفلت (گول خوردن و تطمیع شدن) از نادانی و جهالت است.

۱۴ - مَا أَحْسَنَ حُسْنِ الظَّنِّ إِلَّا أَنْ فِيهِ الْعَجْزُ وَمَا أَفْجَحَ سُوءِ الظَّنِّ إِلَّا أَنْ فِيهِ

السَّلَامَةُ^{۱۴}

چقدر خوب است حسن ظن، الا اینکه توأم با ناتوانی هست و چه بد است سوء ظن ولی همراه با سلامتی است.

۱۵ - در سؤال امیرالمؤمنین (ع) از امام حسن (ع) چنین نقل شده است:

.....

۸ - بحار ج ۷۴ ص ۱۶۵، غررالحکم ج ۱ ص ۱۲۹، دستور معالم الحکم ص ۷۰، بهجة المجالس

تألیف ابن عبدالبرج ج ۱ ص ۶۸۵، محاسن بیهقی ج ۲ ص ۳۸۶.

۹ - دستور معالم الحکم ص ۷۰.

۱۰ - قصار الجمل ج ۲ ص ۱۱۲، شرح نهج البلاغه ج ۲۰ ص ۵۰۰.

۱۱ - غررالحکم ج ۱ ص ۲۶.

۱۲ - غررالحکم ج ۱ ص ۱۸.

۱۳ - غررالحکم ج ۱ ص ۱۱.

۱۴ - ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۲۹۴ رقم ۳۵۹.

قَالَ: فَمَا الْحَزْمُ؟ قَالَ: ظَنُّ الْإِنَاءِ وَالرِّفْقُ بِالْوَلَاءِ وَالْإِحْتِرَاسُ مِنَ النَّاسِ بِسُوءِ الظَّنِّ. ١٥

حزم (احتیاط و دقت در کار) چیست؟ گفت: بردباری زیاد، و مدارا با حکام و رؤساء و حفظ خود از شر مردم بوسیله سوءظن (به مردم و عدم اعتماد به آنان).

١٦ - ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ وَثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ ١٦ الثَّدَامَةُ ١٧

ثمره حزم (دقت و احتیاط در کارها) سلامت ماندن (از غافلگیر شدن) است و ثمره تفريط، پشیمانی.

١٧ - إِنْ اسْتَمْتَتِ إِلَىٰ وَدُودِكَ فَاحْزَرْزَلَهُ مِنْ أَمْرِكَ وَاسْتَيْقِ لَهُ مِنْ سِرِّكَ مَا لَعَلَّكَ أَنْ

تَنْدِمَ عَلَيْهِ وَقَتًا مَا. ١٨

وقتی به دوست مورد علاقه خود اطمینان کامل پیدا کردی فقط مقداری از کارهای خود را به او اختصاص بده ولی اسرار خود را از او پوشیده نگاهدار شاید وقتی از افشای آن پشیمان شوی.

١٨ - أَلْعَالِمُ بِرَمَانِيهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ وَالْحَزْمُ مِشْكَاتُ الظَّنِّ ١٩

شبهات بر شخص عالم به مقتضیات زمان خود هجوم نیاورده و مشکلی ایجاد نمی‌کند و احتیاط کردن چراغ هدایت در وادی (ظلمانی) ظن است.

و شاید منظور این باشد: اگر شخص اهل زمان خود را بشناسد و عادات و رسوم و خواسته‌ها و اهداف آنان را بداند قضایا و پیش آمدها برای او مبهم و تاریک نمانده و در کشف علل حوادث و قضایا متحیر نمی‌ماند و احتیاط منشأ پیدایش گمان است و گمان شخص محتاط معمولاً با واقعیت وفق داده و از خطا دور می‌ماند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

١٥ - دستور معالم الحكم ص ١٠٠. تحف العقول ص ٢٢٥. الوافی ج ٣ ص ٦٧ فی مواعظ الحسن.

ابونعیم فی الحلیة ج ٢ ص ١٣٢.

حیة الحسن ج ١ ص ١٣٨. تاریخ ابن کثیر ٨ ص ٣٩. کشف الغمہ ص ١٦٩، الفصول المهمہ لابن

الصباغ ص ١٦٤.

تہذیب ابن عساکر ج ٤ ص ٢١٧ و رک ابی الحدید ج ٤ ص ٢٥٠ و ٢٦٧، معانی الاخبار والدرۃ الباہرۃ والارشاد للذہلی والبخاری فی باب مواعظہ علیہ السلام ج ٧٨ ص ١٠٢ عن التحف ص ١١٥ عن الارشاد للذہلی.

١٦ - تفريط: کوتاهی کردن، عجز نشان دادن و ضایع نمودن.

١٧ - نهج البلاغہ حکمت ١٨١.

١٨ - غررالحکم ج ١ ص ٢٧٣.

١٩ - بحارج ٧٨ ص ٢٦٩ از تحف العقول. کافی ج ١ ص ٨٧ بعداً حدیث به صورت کامل

خواهد آمد.

۱۹ - صَلَاحُ شَانِ النَّاسِ اَلتَّعَايِشِ وَالتَّعَاشِرِ مِلْءٌ مِكَيَالٍ ثَلَاثَةٌ فِظْنٌ وَثَلْثٌ تَغَاْفُلٌ. ۲۰

صلاح کار مردم در زندگی و معاشرت است به مقدار پیمانانه ای که دوثلث آن فطانت و زرنگی و یک ثلث آن تغافل (خود را به غفلت زدن) باشد.

جا حظ در «البيان والتبيين» ج ۱ ص ۸۴ می گوید:

وَقَدْ جَمَعَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَاحَ شَانِ الدُّنْيَا بِحَذَا فِيرَهَا فِي كَلِمَتَيْنِ فَقَالَ:
صَلَاحُ شَانِ جَمِيعِ اَلتَّعَايِشِ وَالتَّعَاشِرِ مِلْءٌ مِكَيَالٍ ثَلَاثَةٌ فِظْنَةٌ وَثَلْثٌ تَغَاْفُلٌ، فَلَمْ يَجْعَلْ لِغَيْرِ
الْفِطْنَةِ نَصِيبًا مِّنَ الْخَيْرِ وَلَا حَقًّا فِي الصَّلَاحِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَتَغَاْفَلُ إِلَّا عَن شَيْءٍ قَدْ قَطَّنَ لَهُ
وَعَرَفَهُ ۲۱

محمد بن علی بن الحسین (ع) صلاح کار دنیا را به صورت کامل آن در دو کلمه جمع فرموده
و می گوید:

صلاح کار همه زندگی و معاشرت، یک پیمانانه است که دو سوم آن فطانت و زیرکی است و
یک سوم آن تغافل به طوری که می بینیم آن حضرت برای غیر فطانت هیچ سهمی از خیر و صلاح قرار
نداده است زیرا انسان تغافل نمی کند مگر در چیزی که به کیفیت آن متوجه بوده و آن را کاملاً بشناسد.

۲۰ - ثُمَّ لَا تُكْنِي اخْتِيَارَكَ اِيَاهُمْ (اَلْكِتَابُ) عَلِيُّ قَرَأْتِكَ وَاسْتِنَاقَتِكَ وَحُسْنِ الطَّلُقِ

مِنْكَ. ۲۲

(در عهدنامه مالک اشتر می نویسد:) اختیار و گزینش کتاب و منشی ها متکی بر فراست
شخصی و حسن ظن تون باشد.

۲۱ - قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَكُنْ عَلِيَّ حَذِرٍ مِّنْ أَوْقِي النَّاسِ عِنْدَكَ ۲۳

امام صادق (ع) فرمودند... از نزدیک ترین اشخاص به خود هم برحذر باش.

۲۲ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ فِي حِكْمَةِ دَاوُدَ: عَلِيُّ الْمَاعِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِأَهْلِ

زَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَيَّ شَأْيِهِ حَافِظًا لِّلسَّائِهِ ۲۴

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: در حکمت آل داود (آمده است): عاقل باید به اهل
زمان خود آشنایی داشته باشد تا گول نخورد و گرفتار نشود و به کار خود مشغول شده و زبانش را نگاه

۲۰ - بحارج ۷۴ ص ۱۶۷ از الذرة الباهرة و تحف العقول ص ۲۶۴ در کلمات امام صادق (ع).

۲۱ - بحارج ۴۶ ص ۲۸۹ این حدیث را از جا حظ نقل کرده است.

۲۲ - نهج البلاغه نامه ۵۳.

۲۳ - وسائل ج ۸ ص ۴۱۲ از اصول کافی ج ۲ ص ۶۳۹ حدیث ۴.

۲۴ - وسائل ج ۸ ص ۵۳۴ از اصول کافی و رجوع شود به قصار الجمل ج ۲ ص ۲۰۵ و ترتیب

الاداریه ج ۲ ص ۲۶۳.

۲۳ - قال علی (ع): اِتَّقُوا سِرَازَ الْتِسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهَا عَلَى حَدِيثِ ۲۵

علی (ع) فرمود: از زندهای بد دوری کرده و از خوبان آنها برخوردار باشید.

۲۴ - وَتَخَذُوا النَّاسَ وَتَحْتَرِسُوا مِنْهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَطْلُبُوا عَنْ أَحَدٍ بُشْرَةً ۲۶

(از امام حسن و امام حسین علیهما السلام در رابطه با اوصاف رسول خدا (ص) و اخلاق داخلی و خارجی او... نقل شده که فرمودند: از مردم کاملاً احتیاط می‌کرد و خود را حفظ می‌فرمود بدون اینکه خوشروئی خود را پنهان داشته باشد.

در سیره نقل کرده‌اند هر وقت گروه تازه‌ای به مدینه وارد می‌شد امیرالمؤمنین (ع) در نزدیکی استوانهٔ مَحْرَسِ رُو به طرف خانهٔ رسول الله (ص) می‌نشست و آن خانه را بطور کامل زیر نظر گرفته و مراقبت می‌فرمود و اصحاب آن حضرت نیز در مواقع حساس در اطراف خانهٔ او پاسداری می‌نمودند علاوه بر این خود آن حضرت حذر و احتیاط را مراعات می‌کردند.

۲۵ - قال علی (ع): يُسْتَدَلُّ عَلَى الْعَاقِلِ بِأَتَمِّ بِالْحَزْمِ وَالْإِسْتِظْهَارِ وَقَلَّةِ الْإِغْتِرَارِ

وَتَخْصِيصِ الْأَسْرَارِ ۲۷

علی (ع) فرمود: شخص عاقل بوسیلهٔ چهار خصلت شناخته می‌شود: حزم (احتیاط در برخوردها و کارها) و استظهار (پی گیری از اوضاع و احتیاط) و کم گول خوردن و حفظ اسرار.

۲۶ - امام صادق (ع): لَا تَتَّقِ إِلَى مَنْ تَخَافُ أَنْ يُعَذِّبَكَ (أَنْ يُعَذِّبَكَ - ظ) ۲۸

امام صادق فرمود بر کسی که می‌ترسی بر تو حيله زده (قرارداد را نقض نماید) اعتماد نکن.

۲۷ - قال علی (ع): ... وَالضَّعِيفُ الْمُخْتَرِسُ مِنَ الْعَدُوِّ الْقَوِيِّ أَقْرَبُ إِلَى السَّلَامَةِ

مِنَ الْقَوِيِّ الْمُعْتَرِ ۲۹

علی (ع) فرمود: ضعیفی که خود را از شر دشمن قوی محافظت می‌کند از شخص نیرومندی که گول می‌خورد به سلامت نزدیکتر است.

.....

۲۵ - وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۸.

۲۶ - تراتیب الاداریه ج ۲ ص ۴۵۰. اسد الغابه ج ۱ ص ۲۵ و ج ۵ ص ۷۲. الاصابه ج ۳ ص ۶۱۱ و شفا ج ۱ ص ۲۴۵ و ۴۱۰. بحار ج ۱۶ ص ۱۵۱ از عیون الاخبار و ص ۱۵۴ از معانی الاخبار و ص ۱۵۵ از مدارک الاخلاق و در ص ۱۶۱ می‌فرماید: هَذَا الْخَبْرُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمَشْهُورَةِ وَتَوَاتُرِ الْعَامَةِ فِي أَكْثَرِ كُتُبِهِمْ.

۲۷ - غرر الحکم ج ۲ ص ۸۶۳.

۲۸ - بحار ج ۷۸ ص ۲۷۸ از کتاب اربعین فی قضاء حقوق المؤمنین.

۲۹ - ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۰۹ رقم ۵۴۳.

۲۸ - قَالَ عَلِيُّ (ع): مَنْ لَمْ يَتَحَرَّزْ مِنَ الْمَكَائِدِ قَبْلَ وُقُوعِهَا لَمْ يَنْفَعَهُ الْإِسْفُ عِنْدَ

هُجُومِهَا: ۳

علی (ع) گفت: کسی که به موقع از حیله دشمن خود را حفظ نکند تا سرف در هنگام تاخت و تاز دشمن به دردمش نمی خورد.

۲۹ - قَالَ عَلِيُّ (ع): مَنْ لَمْ يَسْتَظْهِرْ بِالْقِطْطَةِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْحَفِظَةِ. ۳۱

علی (ع) فرمود کسی که از هوشیاری بهره ای نداشته باشد نگهدارنده ای بی حال وی ندارند.

۳۰ - قَالَ عَلِيُّ (ع): رَأْسُ الْحِكْمَةِ تَجَنُّبُ الْخُدَعِ. ۳۲

علی (ع) فرمود: بالاترین مراتب حکمت اجتناب از حیله ها و خدعه ها است.

۳۱ - قَالَ عَلِيُّ (ع): كُنْ لِلْعَدُوِّ الْمَكَائِمِ أَشَدَّ حَذَرًا مِنْكَ لِلْعَدُوِّ الْمُبَارِزِ. ۳۳

علی (ع) فرمود: از دشمنی که دشمنی خود را پنهان می دارد بیشتر احتیاط کن تا دشمنی که آشکارا دشمنی می کند.

۳۲ - قَالَ الصَّادِقُ (ع): وَالْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْلَوَائِسُ وَالْحَزْمُ قِسَاءَةُ الظَّنِّ...

وَمَنْ قَرِظَ تَوَرَّظَ وَمَنْ خَافَ الْعَاقِبَةَ تَنَبَّتَ عَنِ التَّغَوُّلِ فِيمَا لَا يَعْلَمُ وَمَنْ هَجَمَ عَلَى أَمْرِ بِغَيْرِ عِلْمٍ جَدَعَ أَنْفَ نَفْسِهِ وَمَنْ لَمْ يَعْلَمْ لَمْ يَفْهَمْ وَمَنْ لَمْ يَفْهَمْ لَمْ يَسْلِم. ۳۴

امام صادق (ع) فرمود: کسی که به مقتضیات زمان خود آشنایی داشته باشد کارها بر او مشتبه نمی شود... و حزم عبارت است از سوه ظن به مردم و هر کس کوتاهی در تحقیق کند خود را در مهلکه انداخته و هر کس چشم بسته به کاری اقدام کند خود را به مذلت انداخته و کسی که علم ندارد، حق و باطل را نمی تواند تشخیص دهد و کسی که حق را از باطل نشناسد سالم نمی ماند.

مرحوم مجلسی فرموده حاصل معنی حدیث این است که هر کس اهل زمان خود را بشناسد و حق را از باطل و عالم را از جاهل باز شناخته و تابع حق و متمایل به هوای نفس را تمیز دهد کارها بر او مشتبه نمی شود و دنبال آنان که طرفدار حقتند می رود و از این جهت که اهل باطل زیاد و اهل حق کم اند شبهه برای او پیش نمی آید.

.....

۳۰ - غررالحکم ج ۲ ص ۷۷۱.

۳۱ - غررالحکم ج ۲ ص ۷۰۲.

۳۲ - غررالحکم ج ۱ ص ۴۱۲ و ج ۲ ص ۵۱۲.

۳۳ - قصارالجمال ج ۲ ص ۲۳ از ابن ابی الحدید ج ۲۰ حکمت ۵۷۵.

۳۴ - کافی ج ۱ ص ۲۷ حدیث ۲۹. قصارالجمال ج ۲ ص ۲۳.

و حزم عبارت است از محکم کاری و انجام کارها با اطمینان خاطر و اطمینان کافی و این حالت سبب می‌شود که شخص به مردم سوء ظن داشته و یا اثر آن را مرتب کند بدین معنی که به مردم در کارهای دین و دنیا اعتماد نکند.

اگر کسی بگوید در اخبار و احادیث نسبت به وجوب حسن ظن به برادران دینی تأکید فراوان شده است پس لازم است گفتار و رفتار آنها را حمل بر صحت نماییم و این با سوء ظنی که این احادیث بر آن اشعار دارد تنافی دارد.

جوابش این است: اولاً ممکن است اخبار حسن ظن را بر مواردی که مؤمن بودن طرف ثابت شده باشد حمل نماییم.

ثانیاً حمل بر صحت در رفتار و کردار مؤمن با عدم اطمینان به او مگر پس از روشن شدن جهاتی که موجب اطمینان و وثوق نفس می‌شود منافات ندارد.^{۳۵}

در بحث کلی در نتایج آیات و روایات، اطراف سخنان مرحوم مجلسی (ره) به تفصیل سخن خواهیم گفت:

۳۳ - قَالَ عَلِيُّ (ع): الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ إِجَالَةُ الرَّأْيِ.^{۳۶}

علی (ع) می‌فرماید: پیروزی در نتیجه احتیاط حاصل می‌شود و احتیاط بوسیله جولان فکر بدست می‌آید.

۳۴ - قَالَ عَلِيُّ (ع): إِحْذِرْ مِنْ أَصْحَابِكَ وَمُخَالَطِكَ الْكَثِيرِ الْمَسْأَلَةِ الْخَشِينِ الْبَيْحِ اللَّطِيفِ الْإِسْتِدْرَاجِ الَّذِي يَحْفِظُ أَوَّلَ كَلَامِكَ عَلَى آخِرِهِ وَيَغْتَبِرُ مَا أُخْرَتَ بِمَا قَدَّمْتَ وَلَا تُظْهِرَنَّ لَهُ الْمُخَافَةَ فَيَرَى أَنَّكَ قَدْ تَحَرَّزْتَ وَتَحَقَّقْتَ وَأَعْلَمَ أَنَّ مِنْ بَقْظَةِ الْفِطْنَةِ إِظْهَارَ الْعَفْلَةِ مَعَ شِدَّةِ الْحَذَرِ فَخَالَطْ هَذَا مُخَالَطَةَ الْآمِنِ وَتَحَقَّقْ مِنْهُ تَحَقُّقَ الْخَائِفِ فَإِنَّ الْبَيْحَ يُظْهِرُ الْخَفِيَّ وَيُبْدِي الْمُسْتَوْرَ الْكَامِنَ.^{۳۷}

علی (ع) فرمود: از آن دسته از یاران و دوستان نزدیک خود که زیاد سؤال می‌کنند و با خشونت سخن می‌گویند و با لطافت از زیر زبانت حرف می‌کشند و اول و آخر سخن تو را حفظ کرده و با هم می‌سنجند و تفسیر می‌کنند احتیاط داشته باش، با آنان اظهار مخالفت نکن تا به احتیاط تویی بیرند، از لوازم بیداری و هوشیاری آن است که در عین احتیاط خود را غافل نشان دهی پس با اینگونه اشخاص طوری آمیزش کن که گویا به آنان اطمینان کامل داری و طوری از آنان احتیاط کن که گویا به شدت

.....

۳۵ - مرآة العقول ج ۱ ص ۸۷ و ۹۱.

۳۶ - ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۱۱۷.

۳۷ - ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۱۸ رقم ۶۵۳.

از آنان می ترسی زیرا بحث، پنهان را آشکار و اسرار را برملا می سازد.

۳۵ - اِتَّقِ الْعَدُوَّ وَكُنْ مِنَ الصَّدِيقِ عَلَى حَذَرٍ فَإِنَّ الْقُلُوبَ إِنَّمَا سُمِّيتْ قُلُوبًا

يَتَّقِيهَا. ۳۸

از دشمن بپرهیز و از دوست برحذر باش زیرا قلب به جهت تقلّب و حال به حال شدن، قلب

نامیده شده است.

۳۶ - اَلْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ. ۳۹

حزم عبارت است از سوء ظنّ داشتن. ۴۰

۳۷ - لَا تَأْمَنَنَّ عَدُوَّكَ وَأَنْ شَكَرًا

خود را از دشمنت در امان مینداز اگر چه با زبان از تو سپاسگذاری کند.

۳۸ - أَحْيَيْتَ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَمِيَ أَنْ يَكُونَ بِغَيْضِكَ يَوْمًا ۴۱

در محبت دوستت میانه رو بوده و اسرار خود را پیش او فاش نساز زیرا ممکن است روزی

دشمن تو شود.

۳۹ - عَارِفًا بِأَهْلِ زَمَانِهِ مُسْتَوْحِشًا مِنْ أَوْثَقِ إِخْوَانِهِ. ۴۲

در مدح علماء بالله و ممدوحین می فرماید: (آنان کسانی هستند) که عارف به اهل زمان و

متوخش از موثقتین برادران (دینی) خود هستند.

علاوه بر احادیث گذشته که سوء ظنّ را مدح و توصیه می کنند و آن را حزم و

احتیاط نامیده و مؤمنین را به حزم و سوء ظنّ تشویق می نماید، ۴۴

.....

۳۸ - بهجة المجالس تألیف ابن عبدالبرج ۱ ص ۶۸۹.

۳۹ - کنز العمال ج ۳ ص ۴۳۰ و ۴۴۶. نهایی و لسان العرب در کلمه حزم. مسند شهاب ج ۱ ص

۴۸.

۴۰ - العزم: صَبَطَ الرَّجُلُ أَمْرَهُ وَالْحَذَرُ مِنْ قَوَائِهِ (نهایی و لسان العرب).

۴۱ - غرر الحکم ج ۲ ص ۸۰۲.

۴۲ - فردوس دیلمی ج ۱ ص ۴۳۵. مستدرک ج ۲ ص ۸۲. مجروحین ابن حبان ج ۲ ص ۳۵۱.

اشعیاث ص ۲۳۳. ترمذی ج ۸ ص ۱۶۲. کنز العمال ج ۹ ص ۱۲ و ۱۰۳ و ج ۲۱ ص ۷۶. ابن ابی شیبہ ج ۴ ص ۱۴

ص ۱۰۲ و لباب الآداب ص ۲۵. روض الاخبار ج ۱ ص ۱۷۳. الأدب المفرد ص ۳۳۴. مسند شهاب ج ۱

ص ۳۴۰ و در حاشیه آن از طبرانی در کبیر و اوسط. مجمع البحرین ج ۸ ص ۸۸ و درج ۲ ص ۳۶۵.

۴۳ - مستدرک ج ۲ ص ۶۳.

۴۴ - مثلاً گاهی می فرماید: با سوء ظنّ، خودتان را حفظ کنید و گاهی می گوید: به برادر خود هم

وثوق کامل نداشته باش و یا گوید: نسبت به برادر دینی خود شرایط مودت کامل را مراعات کن ولی اعتماد

کامل به وی نداشته و همه اسرار خود را پیش او برملا نکن و گاهی می گوید: همواره سوء ظنّ داشته باش و

←

در بعضی از احادیث هم نتایج مثبت سوءظن را بیان کرده و گاهی هم آن را علامت عقل و کمال عقل معرفی می‌کند. در روایات فراوانی آمده است که رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) عملاً به سوءظن ترتیب اثر می‌دادند، مناسب است چند مورد از آن را به عنوان مثال ذکر کنیم:

۱ - أَخَذَ عَلِيُّ (ع): مَنِ اتَّهَمَهُ بِالْجَاسُوسِيَّةِ فَأَخْلَفَهُ فَخَلَفَ كَاذِبًا قَدَعَا عَلَيْهِ فَعَمِيَ. ۴۵

علی (علیه السلام) کسی را به اتهام جاسوسی گرفته و او را قسم داد و او بدروغ قسم خورد، حضرت او را نفرین کرده و آن شخص کور شد.

۲ - مُثَنَّبُ بْنُ جَارُودٍ که از طرف امیرالمؤمنین (ع) والی اصطخر بود، متهم به اختلاس از بیت المال شد به امیرالمؤمنین (ع) گزارش شده بود که سی هزار ... از بیت المال برداشته است. حضرت او را احضار و سی هزار ... را مطالبه نمود، منذر منکر شد، علی (ع) خواست که منذر قسم بخورد و او حاضر به قسم خوردن نشد و حضرت او را بازداشت نموده و زندانی کرد. صَعَصَعَةَ، شوهر خواهر منذر عرض کرد: من سی هزار را ضمانت می‌کنم او را آزاد کنید. حضرت فرمودند: هنوز سی هزار ... ثابت نشده، منذر قسم بخورد و آنگاه آزاد شود. ۴۶

به طوری که می‌بینیم حضرت شخصی را به اتهام جاسوسی پیش از آن که تهمت وارده، ثابت شود گرفته و او را سوگند می‌دهد و منذر را به موجب گزارش واصله قبل از ثبوت خیانت زندانی کرده و پس از آن که او بر بی گناهی خود قسم می‌خورد، آزاد می‌شود.

۳ - كَانَ النَّبِيُّ (ص) قَدْ يَغِيْسُ عَلَيَّ الْتُّهْمَةَ. ۴۷

گاهی هم حزم را تفسیر به سوءظن می‌کند چنانکه امام مجتبی (ع) در جواب پدر بزرگوارش حزم را چنین معنی فرمود:

أَلْخِيْرَاسُ مِنْ أَلْتَّاسِ بِسَوْءِ الظَّنِّ (نگهداری خویشتن از گزند مردم به وسیله سوءظن.)

۴۵ - ارشاد مفید (ره) ص ۱۶۶.

۴۶ - انساب الاشراف ج ۲ ص ۱۶۳. غارات ثقفی ص ۵۲۲. ذیل معادن الحكمة ص ۲۸۳

(مخلوط). نهج السعادة ج ۵ ص ۲۲. قاموس الرجال ج ۹ ص ۱۲۲. یعقوبی ج ۲ ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۴۷ - مجمع الزوائد ج ۴ ص ۲۰۳. كشف الأستار ج ۲ ص ۱۲۸. تراتیب الاداریة ج ۱ ص ۲۵۴ و

۲۹۶ - ۲۹۷. تهذیب تاریخ ابن عساکر ج ۴ ص ۴۵۲. بحرالزخار ج ۶ ص ۲۱۰. عیون الأخبار ابن قتیبة ج

۱ ص ۷۲.

رسول خدا(ص) گاهی شخص را بخاطر تهمت زندانی می‌کرد.

۴ - إِنَّهُ (ص) كَفَّلَ فِي نَهْمَةٍ. ۴۸

رسول خدا(ص) در مورد شخص متهم کفیل خواست تا او را آزاد کند.

۵ - كَانَ (ص) إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَأَتَتْهُمْ أَمِيرَةٌ بَعَثَ مِنْ يُقَاتِيهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَةٌ. ۴۹

عادت رسول خدا(ص) این بود که هر وقت به فرمانده لشگری که اعزام می‌فرمود سوء ظن پیدا می‌کرد کسی از افراد مورد اطمینان خود را می‌فرستاد تا حرکات او را زیر نظر گرفته و به آن حضرت گزارش نماید.

۶ - عَنْ بُرَيْدَةَ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ سَرِيَّةً وَبَعَثَ مَعَهَا رَجُلًا يَكْتُبُ لَهُ: ۵۰

از بُرَيْدَةَ نقل شده است که: رسول خدا(ص) سَرِيَّة‌ای را اعزام نموده و کسی را همراه آنان فرستاد تا اخبار را برای آن حضرت گزارش کند.

۷ - إِذَا بَعَثَ رَجُلًا مِنَ الْمُهَاجِرِينَ قَرَنَ مَعَهُ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ. ۵۱

هر وقت رسول خدا(ص) یک نفر از مهاجرین را به مأموریت می‌فرستاد شخصی از انصار را همراه او می‌کرد.

۸ - إِنَّا لَا نَسْتَعْمِلُ عَلَى عَمَلِنَا هَذَا مَنْ ظَلَبَ أَوْ آوَادَ

ما برای کارهای حکومتی کسانی را که تلاش برای تصدّی آن می‌کنند نمی‌گماریم.

لَا نَسْتَعْمِلُ عَلَى عَمَلِنَا مَنْ ظَلَبَهُ

ما کسانی را که می‌خواهد در کارهای حکومتی وارد شوند بکار نمی‌گیریم.

إِنَّ أَخْوَنَكُمْ عِنْدَنَا مَنْ ظَلَبَهُ. ۵۲

خیانت‌کارترین شما پیش ما کسانی هستند که طالب به دست گرفتن کارهای حکومتی می‌باشند.

در این احادیث، تلاش برای تصدّی امور حکومتی و مناصب دولتی، علامت

خیانت محسوب شده است و این نیست مگر اینکه این چنین اشتیاقی موجب سوء ظن به او می‌شود و چنین برخوردی با او، ترتیب اثر دادن به این سوء ظن است.

۴۸ - مجمع الزوائد ج ۴ ص ۱۹۸. كشف الأستار ج ۲ ص ۱۲۸.

۴۹ - وسائل ج ۱۱ ص ۴۴. میزان الحکمة ج ۲ ص ۴۵.

۵۰ - تهذیب تاریخ ابن عساکر ج ۶ ص ۳۸۳.

۵۱ - سریه قوای اعزامی متشکل از پنج تا چهارصد نفر را گویند.

۵۲ - تهذیب تاریخ ابن عساکر ج ۶ ص ۳۸۲. مسند ابی داود طیالسی ص ۸۴ رقم ۶۰۳.

۵۳ - اخبار القضاة وکعب ج ۱ ص ۶۶ - ۶۷.

۹ - اِسْتَعْمَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَجُلًا مِنَ الْأَزْدِ عَلَى صِدْقَاتِ بَنِي سَلِيمٍ يُدْعَى ابْنَ اللَّيْثِيَّةِ فَلَمَّا جَاءَ حَاسِبَهُ فَقَالَ: هَذَا مَا لَكُمْ وَهَذَا هِدْيَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فَهَلَّا جَلَسْتَ فِي بَيْتِ أَيْبِكَ حَتَّى تَأْتِيكَ هِدْيَتُكَ...؟ ثُمَّ خَطَبَ (ص)... وَقَالَ: أَمَا تَعُدُّ قَائِي أَسْتَعْمِلُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ فَيَأْتِيَنِي فَيَقُولُ: هَذَا مَا لَكُمْ وَهَذَا هَدِيَّةٌ أُهْدِيَتْ لِي أَفَلَا جَلَسْتَ فِي بَيْتِ أَبِيهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ هِدْيَتُهُ. ۵۴

رسول خدا (ص) مردی از قبیله آزد بنام ابن اللیثیه^{۵۵} را مأمور جمع آوری صدقات بنی سلیم نمود، وقتی از مأموریت خود بازگشت رسول خدا (ص) از وی حساب خواست و او گفت: این مربوط به بیت المال است و این هم هدیه است که به من داده اند، رسول خدا (ص) فرمود: چرا در خانه پدرت ننشستی تا هدیه ات را بفرستند؟ بعد حضرت منبر رفته و گفت: من یکی از شماها را به کار می گمارم بعد می آید و می گوید این مربوط به بیت المال است و این هم هدیه ای است که به من داده اند، چرا خانه پدرش نشست تا هدیه اش را بفرستد.

۱۰ - اِسْتَعْمَلَ عَلِيٌّ (ع) رَجُلًا مِنْ بَنِي أَسَدٍ يُقَالُ لَهُ ضُبَيْعَةُ بْنُ زُهَيْرٍ فَلَمَّا قَضَى عَمَلَهُ أَتَى عَلِيًّا بِجِرَابٍ فِيهِ مَالٌ فَقَالَ: إِنَّ قَوْمًا كَانُوا يَهْدُونَ لِي حَتَّى اجْتَمَعَ مِنْهُ مَا كَفَاهَا هُوَذَا فَإِنْ كَانَ خَلَالًا أَكَلْتُهُ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ أَتَيْتُكَ بِهِ فَقَالَ عَلِيٌّ (ع): لَوْ أَمْسَكْتَهُ لَكَانَ غُلُولًا فَخَبَضَهُ مِنْهُ وَجَعَلَهُ فِي بَيْتِ الْمَالِ ۵۶

امیرالمؤمنین (ع) مردی از بنی اسد بنام ضبیعۀ بن زهیر را مأمور انجام کاری کرد، هنگامی که آن مرد مأموریت خود را به پایان رسانید، کیسه ای پر از مال خدمت آن حضرت آورده و چنین گفت: اشخاصی به من هدیه می دادند که از جمع کردن آنها ثروتی اندوختم و همین است که به خدمت تان آورده ام، اگر برای من حلال باشد تصاحب می کنم وگرنه خدمت شما باشد حضرت فرمود: اگر آنرا پیش خود نگاه می داشتی سرقت به حساب می آمد. سپس آن را گرفته و به بیت المال تحویل داد.

در این دو قضیه اجمالاً سخنان مأمور، مسموع واقع نشده و حمل بر صحت نشده است بلکه آن را گرفته و ضمیمه بیت المال نموده اند، هر چند که احتمال می رود مأمور را تکذیب نکرده باشند ولی چون هدیه گرفتن مسئول حکومتی روا نیست آنرا به نفع بیت المال ضبط کرده اند اما این احتمال در حدیث اولی درست نیست بلکه ظاهر حدیث این است که حضرت قول شخص را صحیح ندانسته و او را مؤاخذه نموده است، بهر حال در

۵۴ - کنز العمال ج ۴ ص ۳۹۴. ترتیب الاداریه ج ۱ ص ۲۳۷. اسد الغابه ج ۵ ص ۳۳۰. ابن ابی شیبۀ ج ۶ ص ۵۴۷، ج ۱۲ ص ۴۹۳. نور علم دوره ۲ شماره ۲ ص ۸۶ از مصادر دیگر.

۵۵ - در اسد الغابه «ابن اللیثیه» ضبط شده است.

۵۶ - اخبار القضاة وکعب ج ۱ ص ۵۹ و ۶۰.

این دو حدیث، اجمالاً به سوءظنّ ترتیب اثر داده شده است.

۱۱ — بطور کلی در مورد مأمورین و مسئولین حکومت اسلامی به حسن ظنّ قناعت نشده بلکه دستور نصب عیون و بازرس برای آنها صادر کرده اند:

ثُمَّ تَقَدَّمَ أَعْمَالُهُمْ وَأَبْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الْأَيْدِقِ وَالْوَفَاءِ. ۵۷

سپس کارهای آنها را زیر نظر گرفته و از اشخاص مورد اعتماد خود برای آنها مراقبی بگمار.

۱۲ — همچنان در مورد استخدام کارمند حکومت فرموده اند:

فَأَسْتَعْمِلُهُمْ إِخْتِيَارًا وَلَا تُؤَلِّمُهُمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جِمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ. ۵۸

پس از دقت و آزمایش کامل در مورد اشخاص مورد نظرت، آنها را استخدام کن، مبدا آنها را به میل خود و به منظور کمک به آنها و سرخود بکار بگماری که در این کارستم و خیانت جمع می شوند.

۱۳ — رسول خدا اهل ریب را تبعید فرمودند. ۵۹

۱۴ — وقتی نجاشی شاعر با ابوسمّال در خانه ابوسمّال در روز ماه رمضان شراب خوردند و هنگام عصر که کاملاً از شراب سرمست بودند صدایشان بلند شد. همسایه ابوسمّال جریان را به اطلاع حضرت علی (ع) رسانید و حضرت مأمور فرستاده، خانه را محاصره کردند، ابوسمّال فرار کرد ولی نجاشی گرفتار شده و تازیانه خورد. ۶۰

۱۵ — جَاؤُا إِلَيَّ عَلَيَّ (علیه السلام) قِنِ آثَمِهِمْ بِأَنَّهُ مِنْ الْخَوَارِجِ فَحَبَسَهُ. ۶۱

کسی را که متهم بود، از خوارج است پیش امیرالمؤمنین (ع) آوردند و آن حضرت او را زندانی کرد.

۱۶ — مسئله عریف و بنیانگذاری آن به وسیله شخص رسول خدا (ص) یکی از مواردی است که عملاً برخلاف حسن ظنّ و حمل بر صحت بنا شده است. ۶۲

۱۷ — مسئله تحقیق رسول خدا (ص) در حدیث افک نیز از این مقوله است. ۶۳

.....

۵۷ — نهج البلاغه نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) در شماره های سابق مقداری در این مورد بحث شده است.

۵۸ — نهج البلاغه نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر) در فصل سوم انشاء الله خواهد آمد و قبلاً هم اشاره کرده ایم.

۵۹ — نور علم دوره دوم شماره ۲ ص ۸۹ از مصادر بسیار زیاد.

۶۰ — ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۸۸.

۶۱ — تاریخ طبری ط استقامت ج ۴ ص ۶۶.

۶۲ — نور علم دوره دوم، شماره ۱.

۶۳ — نور علم دوره دوم، شماره ۲، ص ۸۳ و دوره دوم شماره ۹ ص ۴۰.

۱۸ - حدیث امام سجاد(ع) در مورد زن شیبائیه نیز از همین باب است. ۶۴
 ۱۹ - حدیث امام موسی بن جعفر(ع) در مورد دو غلام و کنیز خود نیز همینطور است. ۶۵

۲۰ - إِسْحَقُ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى الْقَنْبَرِيُّ (الْقَشِيرِيُّ خ ل) قَالَ: كَانَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (ع) وَكَيْلٌ قَدْ آتَخَدَ مَعَهُ فِي الْدَارِ حُجْرَةً يَكُونُ مَعَهُ خَادِمٌ أَيْضٌ، قَرَاوَدَ الْوَكِيلُ الْخَادِمَ عَلَى نَفْسِهِ، فَأَبَى أَنْ يَأْتِيَهُ إِلَّا بِتَبِيذٍ، فَاخْتَالَ لَهُ بِتَبِيذٍ، ثُمَّ أَدْخَلَهُ عَلَيْهِ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ (ع) ثَلَاثَةٌ أَبْوَابٍ قَالَ: فَحَدَّثَنِي قَالَ: إِنِّي لَمُنْتَبِهٌ إِذَا آتَا بِالْأَبْوَابِ فَتَفْتَحُ حَتَّى جَاءَ بِنَفْسِهِ، فَوَقَفَتْ عَلَى بَابِ الْحُجْرَةِ ثُمَّ قَالَ: يَا هَوْلَاءِ خَافُوا اللَّهَ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا أَمَرَ بِتَبِيذِ الْخَادِمِ وَأَخْرَاجِي مِنَ الدَّارِ. ۶۶

اسحاق نقل کرد که یحیی قنبری گفت: ابو محمد(ع) وکیل داشت که در خانه آن حضرت حجره ای گرفته بود و خادم سفیدپوستی با او بود، وکیل به خادم پیشنهاد نامشروعی کرد و او از قبول پیشنهاد سر باز زد مگر این که نپیذی بیاورد، وکیل نپیذ را به یک نحو پیدا کرده و حاضر نمود. بین اتاق اینها و حضرت ابو محمد(ع) سه در وجود داشت، می گوید: وکیل گفت: من بیدار بودم که ناگهان دیدم درها باز می شود تا این که حضرت شخصاً آمده و در حجره ایستاد و فرمود: از خدا بترسید و چون صبح شد امر فرمود خادم را فروختند و مرا از خانه بیرون کرد.

۲۱ - اِفْتَتَلَ قَوْمٌ بِالْحِجَارَةِ فُقَيْلَ يَبْتُهُمْ فُقَيْلٌ فَأَمَرَ النَّبِيُّ (ص) بِتَحْسِينِهِمْ ۶۷

گروهی با سنگ بجان هم افتادند و فردی از آنها کشته شد، رسول خدا(ص) دستور داد همه را زندانی کردند.

احتمال می رود که حکم به بازداشت برای اتهام قتل و پیدا کردن قاتل بوده باشد نه برای تعزیر بخاطر نزاع و جنگ.



۶۴ - نور علم، دوره دوم، شماره ۹ ص ۳۹.

۶۵ - نور علم، دوره دوم، شماره ۹ ص ۳۹.

۶۶ - بحار ج ۵۰ ص ۲۸۵ - ۲۸۴ از مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۴۳۳. کافی ج ۱ ص ۵۵۱.

- ۶۷